محمدباقر قالیباف در اجلاس رؤسای مجالس جهان مطرح کرد:

غزه موزه جنایت بشریت

ادامه از صفحه اول

وی ادامه داد: تنها در ماه گذشته بیش از ۶۰۰ نفر که عمدتا از زنان و کودکان بودند در صف دریافت غذا کشته شدند. صهیونیست‌ها گرسنگی و قحطی را به مثابه سلاح کشتار جمعی به کار می‌برند و این باعث شرمساری همگانی است. غزه امروز موزه جنایت بشریت و آزمایشگاه فناوری‌های کشتار است. غزه امروز جایی است که حق زیستن با گلوله و قحطی مجازات می‌شود چرا که به گفته وزیر دفاع رژیم آپارتاید اسرائیل آن‌ها مردم فلسطین را حیوانات انسان‌نما می‌دانند که نباید اجازه داد هیچ آب و غذایی به آن‌ها برسد.

رئیس مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: غزه تنها یک نقطه از روی نقشه نیست، بلکه مرکز آزمون وجدان بشریت است. در برابر نسل‌کشی غزه نمی‌بایست تماشاچی بود بلکه باید از این که دیر شود باید جلوی نازی‌های قرن بیست و یکم را بگیریم.

قالیباف همچنین، در حاشیه ششمین اجلاس رؤسای مجالس جهان در ژنو سوئیس با نعمان کورتولموش رئیس مجلس ترکیه دیدار و گفت‌وگو کرد. قالیباف با بیان این که شرایط منطقه حساس بوده و تحولات در سطح جهانی و منطقه‌ای می‌تواند با چالش‌های جدیدی مواجه شود، گفت: این موضوع ریشه در دخالت‌های مستقیم آمریکا دارد؛ ایران و ترکیه روابط دوجانبه و منطقه‌ای تأثیرگذاری دارند که می‌توانند بر بهبود شرایط منطقه اثرگذار باشد.

وی ضمن قدردانی از مواضع ترکیه اعم از دولت، احزاب، افکار عمومی و مجلس در رابطه با تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران، اظهار کرد: باید اذعان کرد ما در ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی و حامیانش درگیر بودیم. مردم و همچنین نیروهای مسلح ایران جانانه ایستادگی و مبارزه کردند و صهیونیست‌ها در طول عمر خود، اولین باری بود که طعم تلخ برخورد سخت نظامی را چشیدند.

رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: باید بدانیم رژیم صهیونیستی دست از سر کشورهای اسلامی برنمی‌دارد. درواقع آن‌ها درصدد ایجاد ناامنی برای دیگران و توسعه سرزمینی خود هستند لذا در این راستا برای تجزیه کشورهای منطقه از جمله سوریه تلاش می‌کند چرا که رژیم صهیونیستی نازی‌های قرن ۲۱ هستند که جنایت می‌کنند. وی گفت: ما باید یکپارچه و واحد بایستیم. شرایط در غزه را ببینید؛ آن‌ها نه تنها نسل‌کشی و تخریب انجام می‌دهند بلکه از گرسنگی و تشنگی به عنوان ابزار جنگی استفاده می‌کنند.

قالیباف با بیان این که روابط دوجانبه ایران و ترکیه روابط به توسعه بوده و می‌تواند در مسائل منطقه‌ای اثرگذار باشد، گفت: در حوزه مناسبات اقتصادی و تجاری و تسهیل‌گری در حوزه امور مرزی و همکاری‌های پارلمانی باید اقدامات جدی صورت بگیرد.

هدف‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری حجم مبادلات تجاری ترکیه و ایران عملیاتی خواهد شد

نعمان کورتولموش رئیس مجلس ترکیه در این دیدار با بیان این که اسرائیل با تکیه بر حمایت‌های آمریکا دست به تجاوزگری می‌زند، گفت: به خاطر ایرانیانی که جان خود را در تجاوز اخیر از دست دادند ناراحت هستیم و تسلیت می‌گوییم. در این رابطه پارلمان ترکیه در همان روزهای جنگ قطعنامه‌ای را صادر کرد که با حمایت کامل احزاب سیاسی، از جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد و در کنار شما ایستاد.

رئیس مجلس ترکیه با بیان این که سطح همکاری‌های دو کشور رو به گسترش بوده و هدف‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری حجم مبادلات تجاری عملیاتی خواهد شد، ادامه داد: گروه دوستی پارلمانی ایران در سفر اخیر خود به ترکیه گفت‌وگوهای خوبی را انجام داد که می‌تواند در این زمینه اثرگذار باشد.

فرمانده‌ای که عاشق زندگی بود

روزهای بعد از آغاز جنگ فردی فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء را برعهده گرفت که کمتر شناخته‌شده بود در میان مردم اما در میان اهل فن به خوبی شناس بود فردی که بعد از سپهبد رشید فرماندهی جنگ را در دست گرفت. در ادامه با احسان شادمانی فرزند شهید سپهبد علی شادمانی به گفت‌وگو نشستیم.

این گفت‌وگو در دو بخش منتشر می‌شود که بخش اول را در ادامه می‌خوانید.

آقای شادمانی با این که خود شما مستندساز هستید اگر به شما بگویند که پرتره شهید علی شادمانی را بسازید کدام بخش از زندگی ایشان را می‌سازید؟

با شناختی که از ایشان دارم، می‌توان دو وجه مهم را در زندگی‌شان برجسته کرد: یکی بُعد خانوادگی و دیگری بُعد حرفه‌ای و کاری. به نظرم می‌توان دو اپیزود شاخص برای روایت از زندگی ایشان انتخاب کرد؛ یکی پرکاری و دیگری علاقه به زندگی.

اپیزود نخست، ناظر بر پرکاری و فعالیت گسترده‌ای است که ایشان در سطوح مختلف نظامی و اجرایی کشور داشتند؛ فعالیتی که از جنبه‌های مختلف می‌توان به آن پرداخت. واقعا جای تأمل دارد که انسانی در این سن و سال، با همان انرژی و نشاط دوران بهار ۱۳۵۸، زمانی که به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست، همچنان در بالاترین سطوح نظامی کشور حضور فعال داشته باشد. این مسئله به تنهایی، موضوعی قابل توجه و ارزشمند برای پرداختن در یک روایت یا مستند است.

اما اپیزود دوم، جنبه‌ای است که شاید کمتر به آن پرداخته شده باشد؛ این که ایشان حقیقتا عاشق زندگی بود. تا روزی که جنگ آغاز شد و ما دیگر ایشان را ندیدیم، تمام آنچه از ایشان در ذهن داریم، زندگی دوستی بود. درعین حال، عاشق شهادت هم بود. همیشه منتظر آن لحظه بود. بسیاری از دوستان و همرزمان نزدیکش مانند شهید کاظمی، شهید شوشتری، شهید همدانی، شهید قهاری و دیگران به شهادت رسیده بودند، اما این داغ‌ها باعث نشده بود که کنج عزلت را برگزینند یا از صحنه کار و تلاش کنار بروند.

واقعیت این است که ایشان تا آخرین لحظات عمر، در حال برنامه‌ریزی برای زندگی بود. حتی درست پیش از آغاز جنگ، در حال گفت‌وگو درباره برنامه‌ای مشترک بودیم که قرار بود هفته آینده اجرایش کنیم. همه این‌ها نشان می‌دهد که زندگی برایش معنای عمیقی داشت و آن را تعطیل نکرد، حتی وقتی در انتظار شهادت بود.

به باور من، این دو وجه کار و زندگی در کمتر کسی به طور هم‌زمان و متوازن دیده می‌شود. بسیاری از افراد زندگی را فدای کار می‌کنند و برخی دیگر، کار را قربانی زندگی. اما حاج آقا، هر دو را در کنار هم داشت. پرکار بود، مؤثر بود و درعین حال، عاشقانه زندگی می‌کرد. اگر به این دو بُعد با دقت و عمق پرداخته شود، می‌تواند تصویری کامل و انسانی از ایشان ارائه دهد.

اگر قرار باشد ساخت مستند شهید سپهبد علی شادمانی به من پیشنهاد شود، ترجیح می‌دهم مستندی درباره همان ۱۲ روز بسازم؛ ۱۲ روزی که طی آن، پس از شهادت شهید سپهبد غلامعلی رشید، فرمانده عالی جنگ و به نوعی سپهسالار میدان، پرچم فرماندهی جنگ به دست شهید علی شادمانی سپرده می‌شود.

برای من، جذاب‌ترین بخش این روایت، نحوه به دست‌گیری فرماندهی توسط حاج آقاست: این که این پرچم را چگونه در دست می‌گیرد، چه اقداماتی انجام می‌دهد، چه فرمان‌هایی صادر می‌کند، چه تدابیری اتخاذ می‌کند و چگونه با دیگر فرماندهان، همچون امیر سرلشکر موسوی، سردار موسوی (جانشین سردار حاجی‌زاده) و امیر حاتمی (فرمانده ارتش) و سرلشکر پاکپور تعامل و همکاری دارد. این که او چگونه صحنه جنگ را به عنوان فرمانده اصلی مدیریت می‌کند و چگونه ورق جنگ برمی‌گردد، برای من بسیار الهام‌بخش و مهم است.

با این حال، در کنار این روایت فرماندهی، علاقه‌مندم روایتی موازی از بطن زندگی مردم نیز در مستند گنجانده شود. چرا که وقتی از شهید سپهبد علی شادمانی سخن می‌گوییم، اگرچه این عنوان از نظر دنیایی واژه‌ای سنگین و باعظمت است، اما برای من، آن کودک ۶ ماهه‌ای که شهید شد، آن پرستاری که در بیمارستان خدمت کرد، آن نیروی امنیتی، نیروی انتظامی یا بسیجی که شبانه‌روز در حال پاسداری بود، همگی شایسته همین درجه و عنوان‌اند.

خانواده‌هایی که سه نفر، چهار نفر یا حتی ۱۲ شهید مانند خانواده شهید صابر تقدیم کردند، همگی در جایگاه شهید شادمانی ایستاده‌اند. در نگاه من، همه این شهدا، خانواده‌ها، ایثارگران و مردم مقاوم در همان جایگاه والای فرماندهی قرار دارند. به همین دلیل، علاقه‌مندم مستند روایتی دوسویه داشته باشد: یک سو فرمانده میدان و سوی دیگر مردم مقاوم و مظلوم؛ تا در کنار هم تصویری واقعی، جامع و انسانی از آن ۱۲ روز سرنوشت‌ساز خلق شود.

وقتی که می‌خواهیم رزومه شهید شادمانی را ببینیم فقط در حد معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه خاتم پیدا می‌شود شهید در کجاها مشغول فعالیت بودند؟

ایشان از نخستین افرادی بودند که به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمدند.

سپاه استان همدان نیز از نخستین سپاه‌های استانی کشور بود که تشکیل شد و ایشان نقش مؤثری در شکل‌گیری و تثبیت آن داشتند. در جریان حرکت نیروهای مختلف برای مقابله با قائله پاوه، در کنار گروه‌هایی چون گروه شهید چمران، اصغر وصالی و دیگران، ایشان نیز گروهی از رزمندگان همدانی را فرماندهی کرده و به منطقه اعزام شدند.

پس از آن، سلسله مراتب مسئولیت‌های ایشان به ترتیب زیر شکل گرفت:

معاون آموزش سپاه همدان
فرمانده محور سرپل ذهاب
جانشین تیپ ۳۲ انصارالحسین
فرمانده سپاه پاوه
فرماندار شهر پاوه
معاون عملیات قرارگاه رمضان
فرمانده لشکر حجت
فرمانده لشکر ۳۲ انصارالحسین

پس از پایان دفاع مقدس نیز مسئولیت‌های کلان‌تری را عهده‌دار شدند، از جمله:

معاون عملیات نیروی زمینی سپاه
فرمانده لشکر ۳ نیروی مخصوص حمزه
فرمانده قرارگاه نجف
فرمانده لشکر ۴ بعثت
ریاست دانشگاه پیاده نیروی زمینی سپاه
معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح
معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء (از سال ۱۳۹۵)
فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء

و درنهایت، در جریان جنگ اخیر، پس از شهادت شهید رشید، به عنوان فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء منصوب شدند.

تمام عناوین و مسئولیت‌های ایشان، از جنس عملیات و رزم بوده است. این سمت‌ها تنها به افرادی داده می‌شود که حضور واقعی، مؤثر و میدانی در صحنه نبرد دارند و توانایی هدایت و فرماندهی نیروها را اثبات کرده باشند. نکته قابل تأمل آن است که هر سمت جدیدی که به ایشان واگذار می‌شد، نسبت به مسئولیت پیشین، هم از نظر سطح فرماندهی و هم از نظر ماهیت عملیاتی، ارتقایی چشمگیر داشت. این خود گواهی روشن بر پرکاری، شایستگی و پیشرفت مستمر ایشان بود.

بر اساس روایت همرزمان و نزدیکان، ایشان در هر جایگاهی که حضور پیدا می‌کرد، منشأ تحول و اثرگذاری بود. بسیاری از یگان‌ها، قرارگاه‌ها و معاونت‌هایی که در آن فعالیت داشتند، امروزه با نام ایشان شناخته می‌شوند. از جمله می‌توان به لشکر حجت و تیپ ۳۲ انصارالحسین همدان اشاره کرد که از بنیان‌گذاران آن‌ها بودند.

هر جا که سردار شادمانی حضور داشت، آنجا به مرکزی برای کار، تلاش، تحول و ابتکار تبدیل می‌شد. بی‌تردید، واژه «منشأ اثر» را به حق می‌توان بر کارنامه ایشان اطلاق کرد.

در روزهای جنگ چطوری از شهادت پدرتان مطلع شدید؟

در آن لحظه‌ای که ما مردم عادی که طبیعتا اطلاعاتمان به اندازه نیروهای نظامی نیست متوجه شدیم فرماندهان ارشد نظامی کشور ترور شده‌اند، کشور در میانه یک صحنه تمام‌عیار جنگی قرار داشت. اسرائیل با تصور این که می‌تواند در عرض چهار روز به اهداف خود برسد، حمله را آغاز کرده بود. ادعای روز اولشان همین بود. اما این هدف محقق نشد.

تصور آن‌ها این بود که با حذف فرماندهان ارشد، ایران برای مدتی با خلأ فرماندهی مواجه می‌شود. تا زمانی که نیروهای تازه تعیین شوند، ساعات حساس و حیاتی از دست می‌رود و آن‌ها می‌توانند مرحله بعدی سناریوی خود را پیاده کنند؛ سپس با فعال‌سازی ضدانقلاب در خیابان‌ها، ناآرامی و اغتشاش ایجاد کرده و درنهایت، مسیر تغییر رژیم را هموار کنند. اما آنچه در عمل رخ داد، خلاف محاسبات دشمن بود.

از زمانی که جنگ آغاز شد، ما دیگر حاج آقا را ندیدیم. چند ساعت پیش از آغاز رسمی درگیری‌ها، تماس‌مان قطع شده بود و تا روز شهادت، خبری از ایشان نداشتیم. ظهر روز جمعه، ۲۳ خرداد، رهبر معظم انقلاب اسلامی، فرماندهی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء(ص) را به ایشان واگذار کردند. همان جا بود که برای اولین بار متوجه شدیم پدرم به این سمت حساس منصوب شده‌اند و مسئولیت هدایت میدانی جنگ را به عهده گرفته‌اند. تمامی یگان‌ها و نیروهای مسلح، با طراحی، برنامه‌ریزی و فرماندهی این قرارگاه، مشغول مقابله با دشمن بودند. بر اساس شواهد و گزارش‌هایی که بعدا منتشر شد از جمله یکی از گزارش‌های رسانه‌های رژیم صهیونیستی علی شادمانی به عنوان فرمانده قرارگاه خاتم و نزدیک‌ترین فرد به رهبر انقلاب معرفی شد؛ کسی که توانسته بود در همان ساعات اولیه، فرماندهی نیروهای مسلح را احیا کرده، سازماندهی کند و نخستین پاسخ کوبنده جمهوری اسلامی ایران به حمله دشمن را طراحی و اجرا نماید؛ پاسخی که واقعا ورق جنگ را برگرداند.

برای ما، تا همین جای کار، همه چیز افتخارآمیز بود: این که پدرمان در چنین جایگاه و مسئولیتی قرار دارد و در کنار سایر فرماندهان بزرگ، از امنیت کشور دفاع می‌کند و به دشمن متجاوز، سیلی می‌زند. با این حال، در دل‌مان نگرانی هم وجود داشت؛ زیرا از همان ابتدا این احتمال را می‌دادیم که دشمن به دنبال حذف فرمانده جنگ است. سابقه سوءقصدهای قبلی نیز این نگرانی را تقویت می‌کرد.

در یکی از عملیات‌ها، مقر ایشان مورد هدف قرار گرفت که خوشبختانه آسیبی به ایشان نرسید. اما سرانجام، در روزهای جنگ در محل دیگری دچار جراحت شدند و درنهایت به شهادت رسیدند.

خبر شهادت بلافاصله از سوی رسانه‌ها و مراجع رسمی اعلام شد، اما مادرم از این ماجرا بی‌اطلاع بودند و هر یک از اعضای خانواده نیز در نقطه‌ای جداگانه قرار داشتند. بنابراین تصمیم گرفته شد که من شخصا به ایشان خبر بدهم.

البته این برای اولین بار نبود و مادر می‌گفت که در این سال‌ها چندین بار لباس سیاه به تن کردم و عزاداری اما بعد متوجه شدیم که پدرم شهید نشده بود.

وسط روز بود که به محل استقرار مادرم رفتم. به محض این که مرا دیدند، گفتند: «تو هیچ وقت این موقع روز اینجا نمی‌اومدی. این چند روز هم که جنگ شروع شده، ندیدمت. چیزی شده؟»

گفتم: «نه، فقط دلم برات تنگ شده بود. اومدم ببینمت»

پرسیدند: «از بابات خبر داری؟»

گفتم: «نه، ولی احتمالا در صحنه جنگه دیگه.»

گفتند: «نگرانم...»

گفتم: «خب، این نگرانی امروز و دیروز نیست. همیشه تو صحنه بوده و همیشه هم احتمال اتفاق هست.»

مادرم تأملی کردند و گفتند: «تو اومدی بگی پدرت شهید شده؟»

پرسیدم: «چرا اینو می‌گی؟»

پاسخ دادند: «چند روز پیش خواب دیدم که ایشون شهید می‌شه... الان هم هیچ دلیلی نداشتی که این موقع روز بیای اینجا. فقط اومدی بگی که رفته...»

سکوت کردم و فقط نگاهش کردم. گفتم: «آره... شهید شده.»

در آن لحظه من گریه کردم، اما مادرم گریه نکرد. فقط با چشمانی اشک‌بار و صدایی محکم گفتند: «همسر بعضی از فرماندهان، کنارشان شهید شدند. من چرا کنار علی نبودم؟»

و این، برای مادرم، یک حسرت واقعی بود؛ چرا که در تمام این سال‌ها، در زمان دفاع مقدس و مأموریت‌های متعدد، در کنار پدرم حضور داشتند و همواره همراهش بودند. اما این بار، لحظه شهادت، از او دور بودند.

گفتید که مادرتان در همه اتفاقات کنارشان بودند خاطره‌ای دارید؟

در طول تمامی این سال‌ها، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، خانواده همواره در کنار حاج آقا بودند؛ از جمله در پاوه و دیگر مناطق عملیاتی. حضور خانواده در مناطق جنگی، نه تنها از روی اجبار یا ضرورت نبود، بلکه انتخابی آگاهانه و همراه با درک عمیق از شرایط جنگ بود. مادرم همواره همراه پدر بودند؛ از ارومیه گرفته تا همدان، از تهران تا پاوه.

بین سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵، حاج آقا فرماندهی سپاه پاوه را بر عهده داشتند. پس از شهادت شهید طباطبایی‌نژاد، ایشان به عنوان فرمانده سپاه کاوه منصوب شدند. پیش از ایشان، فرماندهی سپاه پاوه در اختیار فرماندهان بزرگی چون شهید ناصر کاظمی و شهید محمدابراهیم همت بود. شرایط آن مقطع بسیار خاص و پیچیده بود؛ دشمن صرفا یک گروه مشخص نبود. در آن منطقه، نیروهای سپاه باید هم‌زمان با گروهک‌های منافقین، حزب دموکرات کردستان، کومله و ارتش بعث عراق مقابله می‌کردند. جنگ در آنجا، جنگی چندوجهی بود.

ساختار شهری پاوه نیز بر حساسیت اوضاع می‌افزود. خانه‌ها به صورت پلکانی روی دامنه کوه ساخته شده‌اند و مقر سپاه نیز در دل همین بافت شهری قرار داشت. در یکی از عملیات‌ها، زمانی که حاج آقا قصد داشتند به ارتفاعات اطراف بروند تا عملیات تک یا پاتکی را علیه دشمن انجام دهند، به همسرشان می‌گویند:

«هر اتفاقی افتاد، خانه را ترک نکنید. چراغ خانه فرمانده سپاه باید روشن بماند. وقتی چراغ این خانه روشن باشد، مردم متوجه می‌شوند که شهر هنوز امن است و آن را ترک نخواهند کرد.»

مادرم، همراه با ما فرزندان، در خانه ماند. من و سه تن از برادرانم آن زمان کودک بودیم و همراه ایشان در خانه حضور داشتیم. درگیری‌ها بسیار شدید شده بود و بخشی از مردم شهر، خانه‌های خود را ترک کرده و به حاشیه شهر پناه برده بودند. بعدازظهر همان روز، تعدادی از نیروهای سپاه به خانه ما مراجعه کردند. وقتی دیدند خانواده فرمانده هنوز در خانه هستند، با تعجب پرسیدند:

«شما چرا هنوز اینجایید؟ باید این محل را تخلیه می‌کردید!»

مادرم پاسخ دادند: «ما طبق گفته حاج آقا عمل می‌کنیم. ایشان فرموده‌اند که خانه را ترک نکنیم.»

پس از آن، حادثه‌ای برای مادرم پیش آمد و با رسیدن پدر، ایشان به همدان منتقل شدند. اما این تنها نمونه‌ای از حضور خانواده در شرایط سخت و حساس بود. موارد مشابه دیگری هم وجود داشت؛ از جمله زمانی که در ارومیه مستقر بودیم، در دوره‌ای که تحرکات ضدانقلاب بسیار زیاد شده بود، یا حتی در تهران، که محل سکونت‌مان چندین بار هدف تهدید و اقدامات تروریستی از سوی منافقین قرار گرفت. یا در همدان، در اوایل جنگ تحمیلی، که اعضای گروهک منافقین قصد داشتند در یکی از صبح‌ها به منزل ما مراجعه کرده و به حاج آقا سوءقصد کنند.

در تمام این موقعیت‌ها، مادرم در کنار پدرم بودند و نه فقط نظاره‌گر، بلکه همراه و شریک واقعی روزهای تلخ و شیرین جبهه و جنگ. از همین رو، پس از شهادت حاج آقا، همواره این حسرت در دل‌شان باقی بود.

در بالاتر گفتید که چندین بار خبر شهادت وی را شنیده بودید و برایش عزاداری هم کردید خاطره‌ای دارید در این خصوص؟

در حدود سال ۱۳۸۹ یا ۱۳۹۰، حاج آقا برای سرکشی به یکی از مناطق عملیاتی با هلیکوپتر اعزام شده بودند. در آن سفر، هلیکوپتر دچار سانحه‌ای شد که در ابتدا هیچ کس از وقوع آن اطلاعی نداشت. تنها نشانه‌ای که ما دریافت کردیم، پیامکی بود که از شماره پدرم ارسال شده بود و در آن حاج آقا نوشته بودند:

«سلام، به خانواده بگو نگران نباشند، حالم خوب است و اتفاقی نیفتاده.»

وقتی این پیامک را دیدم، پرسیدم چرا چنین پیامی ارسال شده است و آیا اتفاقی رخ داده؟ پس از کسب اطلاع از منابع مختلف، متوجه شدیم که در یکی از بازدیدها، هلیکوپتر یا در حال برخاستن بود یا در حال فرود، که به یک سمت منحرف شده است. خوشبختانه آسیب‌ها جزئی بود و اتفاق خاصی رخ نداد.

این پیامک که از شماره پدرم ارسال شده بود، تا حد زیادی آرامش خاطر برای ما به ارمغان آورد؛ چرا که تا بیش از ۲۴ ساعت از محل دقیق حضور حاج آقا و وضعیت سلامتی ایشان بی‌اطلاع بودیم. در نهایت مطمئن شدیم که ایشان در یکی از شهرهای مرزی بوده‌اند و سلامت کامل دارند. این مدت، برای خانواده بسیار دشوار و پراضطراب گذشت، تا این که بالاخره توانستیم با ایشان تماس برقرار کنیم و از سلامت‌شان اطمینان حاصل کنیم.

چه ویژگی از آقای شادمانی برایت جذاب بوده است که بخواهید در مستندی که قرار شد بسازید پررنگ نشانش خواهید داد؟

پس از حضور برخی از فرماندهان و سران قوا نیز همین نکته به ما تأیید شد؛ آن‌ها به پرکاری فزاینده و روحیه استثنایی حاج آقا اشاره داشتند. به عنوان مثال، شهید امیر سرتیپ قرای لو در خواب که با حاج آقا ارتباط نزدیکی داشت، گفته بود: «ما صبح تا شب با هم بودیم، اما اکنون حاج آقا ۲۴ ساعت با ماست.» حاج آقا در سال‌های پایانی عمرش وارد هفتادسالگی می‌شد، درحالی که بسیاری از افراد در این سن از سلامت کامل برخوردار نیستند و نمی‌توانند چنین صحنه‌هایی را مدیریت کنند. اما ایشان همیشه ورزش می‌کرد، بدن آماده‌ای داشت و فعالیت‌هایش از همه جلوتر بود.

صبح‌ها حدود ساعت ۵:۳۰ سر کار حاضر می‌شد و کمتر پیش می‌آمد قبل از ساعت ۷ یا ۸ شب به خانه بازگردد. وقتی به خانه می‌رسید، بخشی از قرآن را تلاوت می‌کرد یا نوه‌هایش را به پارک می‌برد و شب‌ها پس از دیدن اخبار ساعت ۹، استراحت می‌کرد. حاج آقا هیچ‌گاه بی‌دلیل تا نیمه‌شب بیدار نمی‌ماند، اما همیشه نماز جعفر طیار و نماز شب را می‌خواند، سپس استراحت کوتاهی داشت و پس از آن نماز صبح را اقامه می‌کرد و سپس به فعالیت‌های روزانه خود می‌پرداخت.

ویژگی بارز دیگر ایشان، اخلاق و خلق و خوی خاص و خودسازی مستمری بود که انجام داده بود. همچنین، ملاحظات کاری و حس مسئولیت‌شناسی باعث می‌شد بسیاری از افراد، حتی در میان نیروهای مسلح، دقیقا ندانند که ایشان چه مسئولیت‌ها و فعالیت‌هایی دارد. اگرچه بین نیروهای مسلح نام‌آشنا بود، اما در میان مردم عادی کمتر شناخته شده بود.

روز اعلام خبر شهادت حاج آقا، بنری در جلوی منزل‌شان نصب شد و چهره ایشان برای عموم شناخته شد. همسایه‌ها واکنش‌های جالبی داشتند؛ یکی گفت: «ایشان همیشه کتاب به دست داشت، فکر می‌کردم استاد دانشگاه است.» یکی از جوانان محل گفت: «ایشان شبیه همان آقایی بود که بعضی اوقات نان می‌خرید.» یکی دیگر از همسایه‌ها با تعجب گفت: «حاج آقا اینجا مورد سوءقصد قرار گرفته‌اند؟» درحالی که ایشان در جای دیگری بودند. این موارد نشان می‌دهد که حاج آقا با وجود داشتن سمت‌های حساس و هدف سوءقصد قرار گرفتن، همیشه علاقه‌مند بود در متن مردم زندگی کند، ساده‌زیست و متواضع بود و هیچ‌گاه به دنبال مطرح شدن در رسانه‌ها نبود و همواره در سایه فعالیت می‌کرد.

برای ما و خانواده، شنیدن این واکنش‌های همسایگان، نشان‌دهنده عمق محبوبیت و حضور حقیقی ایشان در میان مردم بود.

آقای شادمانی اهل کتاب خواندن بودند؟

حاج آقا به مطالعه کتاب‌های معرفتی و معنوی بسیار علاقه‌مند بودند و بخش قابل توجهی از وقت خود را به خواندن آثاری درباره زندگی پس از مرگ اختصاص می‌دادند. همچنین، کتاب‌های مرتبط با زندگی و سخنان امام امیرالمؤمنین (ع) بخش مهمی از مطالعات ایشان را تشکیل می‌داد. از آنجا که حاج آقا محل مراجعه و رجوع بسیاری از نویسندگان دفاع مقدس بودند، اغلب کتاب‌هایی به ایشان هدیه می‌شد یا پیش از چاپ، نسخه‌ای از کتاب‌ها برای دریافت نظر و نقد ایشان ارسال می‌گردید.

ایشان همواره دو نوع کتاب را به طور مداوم همراه داشتند: کتاب‌های معنوی و کتاب‌هایی که به مسائل فرماندهان شهید یا تاریخ جنگ مرتبط بود و نظرات و تحلیل‌های خود را در این حوزه‌ها ارائه می‌دادند.

خبر

مسعود پزشکیان در تماس تلفنی با مادورو:

روابط ایران و ونزوئلا گسترده‌تر خواهد شد

مسعود پزشکیان در گفت‌وگویی تلفنی با نیکلاس مادورو، رئیس جمهور ونزوئلا، ضمن قدردانی از مواضع اصولی، صریح و شجاعانه دولت ونزوئلا در محکومیت تجاوزات رژیم صهیونیستی به حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران و اعلام همبستگی با ملت ایران، بر استمرار و تعمیق همکاری‌های دوجانبه در تمامی حوزه‌ها تأکید کرد. رئیس جمهور در این تماس تلفنی با اشاره به پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مسیر دیپلماسی و صلح، اظهار داشت: ترجیح ما همواره صلح و گفت‌وگو بوده است، اما آمریکا با رفتار غیرمسئولانه و خیانت به مسیر دیپلماتیک، راه را برای تجاوزگری رژیم صهیونیستی هموار ساخت.

این اقدام متجاوزانه، آشکارا نقض همه قوانین و موازین بین‌المللی بود. جمهوری اسلامی ایران نیز با اتکا به حق مشروع دفاع از خود، پاسخی قاطع و کوبنده به این تجاوز داد و هرگونه ماجراجویی از سوی این رژیم جنایتکار نیز با واکنشی قاطع مواجه خواهد شد. پزشکیان همچنین با استقبال از ابتکارات سازنده رئیس جمهور ونزوئلا در مسیر ترویج صلح در منطقه غرب آسیا، از پیشنهاد برگزاری اجلاس سران برای صلح و مقابله با جنگ و همچنین ارائه طرح خاورمیانه‌ای در این زمینه حمایت و قدردانی کرد. رئیس جمهور ضمن تأکید بر اراده جدی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه و تحکیم مناسبات دوجانبه با ونزوئلا، خاطرنشان کرد: روابط ما با ونزوئلا در تمامی زمینه‌ها تداوم خواهد یافت و تلاش خواهیم کرد تا این روابط عمیق‌تر، راهبردی‌تر و گسترده‌تر شود. ما جنابعالی را برادری عزیز و قابل اعتماد برای ملت ایران می‌دانیم. به گزارش ایرنا در این گفت‌وگوی تلفنی، رئیس جمهور ونزوئلا نیز با ابراز تسلیت و همدردی با خانواده‌های شهدای ایرانی در پی اقدامات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی، بر حمایت و همبستگی کامل دولت و ملت ونزوئلا با جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد. نیکلاس مادورو ضمن محکومیت شدید حملات رژیم صهیونیستی، خاطرنشان کرد: ملت شریف، نجیب و قهرمان ایران در برابر تجاوزگری‌ها ایستادگی کرد و برگ زرینی در تاریخ به ثبت رساند. شما با این رشادت و پاسخ قاطع، روحیه و انگیزه‌ای مضاعف به ملت‌های مستقل و عدالت‌خواهی بخشیدید که در مسیر توسعه، صلح و مقابله با سلطه‌طلبی گام برمی‌دارند. رئیس جمهور ونزوئلا با اشاره به جنگ ۱۲ روزه و مقاومت موفقیت‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، گفت: ملت ایران نشان داد که توان دفاع از حق حیات و صلح خود را دارد و در این نبرد، هیمنه صهیونیست‌ها را در هم شکست. اطمینان دارم که با تداوم تلاش‌های دیپلماتیک و ابتکار اجلاس صلح، به توافقاتی بزرگ و صلحی پایدار دست خواهیم یافت؛ صلحی که حق طبیعی ملت ایران و همه ملت‌های منطقه غرب آسیاست. نیکلاس مادرور همچنین با اشاره به هفتاد و پنجمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان ایران و ونزوئلا، خواستار گسترش همکاری‌ها در تمامی عرصه‌ها شد و افزود: اکنون زمان آن رسیده است که با تعمیق روابط دوجانبه، پیوندهای راهبردی میان دولت‌ها و ملت‌های ما بیش از پیش تحکیم یابد.

همچنین نود و نهمین جلسه هیئت دولت صبح دیروز چهارشنبه ۸ مرداد به ریاست مسعود پزشکیان تشکیل شد. در این جلسه علاوه بر طرح موارد اجرایی دستگاه‌ها توسط اعضا، رئیس سازمان اداری و استخدامی گزارش مبسوطی از آخرین نظرات و دیدگاه‌های وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، نیرو و سازمان برنامه بودجه درباره پیشنهاد مطرح در جلسه دیروز، با موضوع تعطیلی روزهای چهارشنبه یا تعطیلی یک هفته‌ای در طول تابستان، ارائه کرد. این گزارش از سوی اعضای دولت مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و اعلام شد که بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده و پیش‌بینی‌های صورت گرفته، این تعطیلی‌ها می‌تواند پیامدهایی برای بخش‌های اقتصادی به دنبال داشته باشد. رئیس جمهور در همین رابطه با تأکید بر این که موافق چنین پیامدهایی نیستم، تصریح کرد: باید تلاش کنیم با فرهنگسازی، برگزاری جلسات هم‌فکری و اطلاع‌رسانی مؤثر، همراهی و همکاری همه بخش‌ها و از جمله مردم را جلب و مصرف را مدیریت نماییم تا از بحران عبور کنیم؛ تعطیلی، پاک کردن صورت مسئله است و چاره مشکل کم‌آبی نیست.

پزشکیان افزود: باید علاوه بر رسانه‌ها و به خصوص صداوسیما، همه دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی و نیز تشکل‌ها و بخش‌های غیردولتی و مردمی را به میدان بیاوریم. جلسات را به شکل موضوعی و منطقه‌ای و با حضور مسئولان محلی، معتمدین و تشکل‌های منطقه‌ای برگزار کنید و مسئولیت‌های هربخشی در راستای مدیریت مصرف به شکل دقیق تعریف و تعیین شود. باید همه مصرف‌کنندگان آب کاملا در جریان جزئیات تنش آبی قرار گیرند تا به شکل ملموس دریابند که اگر مصرف بر همین مبنا ادامه یابد، با بحران جدی مواجه خواهیم شد. همچنین اعضای دولت، بعد از بحث و تبادل نظر، با اکثریت قریب به اتفاق آرا، تصمیم به استرداد لایحه ۲ فوریتی «انتشار محتوای خلاف واقع» از مجلس شورای اسلامی گرفتند و مقرر شد اقدامات لازم برای استرداد این لایحه انجام شود. گزارش وزیر آموزش و پرورش از موفقیت‌های بی‌نظیر دانش‌آموزان المپیادی در مسابقات مختلف جهانی و گزارش رئیس کل بانک مرکزی از ساماندهی کفایت سرمایه و رفع مشکلات بانک‌ها در این زمینه نیز در جلسه روز گذشته ارائه شد.

■ ■ ■

محمدرضا عارف:

ستاد مرکزی بازسازی با محوریت مردم شکل گیرد

محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور در جلسه ستاد مرکزی بازسازی خسارات ناشی از جنگ ۱۲ روزه که وزرای راه و شهرسازی و امور اقتصادی و دارایی، رؤسای سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی و مسئولان دستگاه‌های مرتبط حضور داشتند، با اشاره به این که همه جبهه‌ها در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه خوش درخشیدند، تأکید کرد: مقام معظم رهبری در رأس همه جبهه‌ها در کمتر از ۱۲ ساعت سامان بسیار خوبی به بخش‌های دفاعی و نظامی دادند و مدیریت جدید نظامی نیز در کمتر از ۱۲ ساعت عملیات‌های نظامی موفقیت‌آمیز خود را آغاز کرد. معاون اول رئیس جمهور با بیان این که مردم علی‌رغم همه شیطنت‌ها و تبلیغات دشمنان در جنگ ۱۲ روزه بی‌نظیر نقش‌آفرینی کردند، گفت: دشمنان به این امید به کشور حمله کردند که در روز دوم جنگ، کار را یکسره می‌کنند البته این مردم ایران بودند که کار دشمنان را یکسره کردند و در این جنگ بار دیگر نشان داده شد که همه مدعیان حقوق بشر، گروهک‌ها و مخالفان نظام هیچ درکی از ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و مردم ایران ندارند و هیچ‌گاه نتوانستند در طول ۴۰ سال گذشته درک درستی از مردم ایران داشته باشند. به گزارش مهر، وی به برنامه‌ریزی اقتصاد جنگی در اوایل روی کار آمدن دولت چهاردهم در کنار راهبرد حفظ و تقویت آرامش جامعه اشاره و تصریح کرد: با وجود برنامه‌ریزی‌های دولت، مردم فوق تصور ظاهر شدند و آمار خرید از فروشگاه‌های زنجیره‌ای در طول جنگ متوسط ۲۰ درصد تغییرات داشت و با همکاری که مردم داشتند، دشمنان مجبور شدند تقاضای توقف آتش کنند و به دلیل این که ما اهل جنگ نیستیم، توقف آتش را پذیرفتیم. معاون اول رئیس جمهور با تأکید بر بازسازی هرچه سریع‌تر خسارات ناشی از حمله ددمنشانه رژیم صهیونیستی، خاطرنشان کرد: مردم در جنگ ۱۲ روزه خوش درخشیدند و سهم خود را ادا کردند و حال نوبت ما مسئولان است که نقش خود را در بازسازی خسارات و کمک به آسیب‌دیدگان ایفا کنیم. البته آسیب‌دیدگان ناشی از جنگ در طول مدت بعد از توقف آتش تحمل و همراهی کردند که این صبوری و آرامش وظیفه ما را کم نمی‌کند دولت از روز اول توقف آتش بس برای تشکیل ستاد بازسازی تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات لازم را اتخاذ کرد. عارف در ادامه با اشاره به روند شکل‌گیری ستاد مرکزی بازسازی خسارات ناشی از حمله رژیم صهیونیستی، افزود: در دولت مقرر شد که ستاد مرکزی بازسازی با محوریت مردم شکل گیرد چرا که راهبرد دولت چهاردهم بر این مبناست که مردم را محور اصلی فعالیت‌ها قرار دهیم و با استفاده از توانایی‌های آنان امور کشور را اداره کنیم. معاون اول رئیس جمهور همچنین تأکید کرد: تمامی اقدامات دستگاه‌های مختلف اجرایی و عمومی و وزارتخانه‌های مرتبط در راستای جبران خسارات ناشی از حمله رژیم متجاوز صهیونیستی در چارچوب تصمیمات و مصوبات ستاد مرکزی بازسازی خسارات انجام شود. همچنین در این جلسه که به ریاست معاون اول رئیس جمهور برگزار شد، سازمان برنامه و بودجه گزارشی از محورهای اصلی فعالیت ستاد مرکزی بازسازی خسارات ناشی از حمله رژیم صهیونیستی و اقدامات سریع این سازمان برای مقابله با آثار حمله رژیم صهیونیستی و همچنین خسارات اعلام شده دستگاه‌های اجرایی و استان‌ها در بخش‌های حکومتی و مردمی ارائه کرد. در ادامه نیز در خصوص تأمین تسهیلات برای آسیب‌دیدگان، اسکان اضطراری، تعمیر، مقاوم‌سازی و احداث واحدهای مسکونی، اداری و خدماتی دولتی و بخش خصوصی و مردم و جبران خسارت‌ها به بخش‌های مختلف بحث، بررسی و تصمیم‌گیری شد.